

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

۰۷ جنوری ۲۰۱۲

تذکری چند خدمت «هوادار ساما» ادامه - دهندگان»

خواننده عزیز درود های گرم و احترامات قلبی ام را تقدیم می دارم. ضمن ابراز امتنان از توجه تان به تذکرات کوتاه این قلم زیر عنوان "همذاتی و همسوئی امپریالیزم و ارتجاع" قبل از آن که به پاسخ پرسش هایتان بپردازم، لازم می دانم بر نکات آتی نیز تأکید بورزم:

اولین نکته ارزشمند در طرح پرسش های شما، صرفنظر از آن که پاسخ ها چه خواهند بود، نفس دقت در طرح مطالب پورتال از جانب خوانندگان مسؤل و چیز فهم جامعه ای ماست. ما افتخار می کنیم که هر آنچه در پورتال انتشار می یابد در اسرع وقت ممکن عکس العمل مثبت و یا منفی خوانندگان ما را بر می انگیزد. این نکته به ذات خود می رساند که پورتال در تحقق یکی از اهدافش که ایجاد پل و رابطه مستحکم و متوالی با خوانندگان و آنها را از خواننده صرف به طرف همکار و در نهایت خط دهنده کشیدن است، موفق می باشد. به تعبیر دیگر رابطه بین سایت و خوانندگان را به عوض رفتن به یک جاده یک طرفه که سایتها عرضه کننده و خوانندگان مصرف کننده هستند به یک جاده دو طرفه تبدیل کردن، می تواند یکی از اهداف نشراتی پورتال به شمار آید؛ امری که با تأسف یا در دیگر سایت ها کمتر دیده می شود و یا این که اگر گاهگاهی افرادی می خواهند بر نوشته های متصدیان آن نهاد انگشت انتقاد بگذارند به "جرم گناه کبیره" ممنوع القلم می گردند.

دومین نکته قابل تذکر در این مورد، پیش گرفتن شیوه جدیدی از کار است که متأسفانه در بین قلم به دستان کشور ما کمتر دیده شده است. بدان معنا، که با تأسف تا کنون رسم بر آن قرار گرفته که به محض خواندن یک مطلب و برداشت مبهمی از آن، خواننده برداشت خود از همان مطلب را مبنا قرار داده بدون آن که به خود زحمت مراجعه به نویسنده را بدهد و از وی بپرسد که منظورش از آن عبارات چه بوده است، قلم را برداشته و با پیوند زدن آسمان و زمین دون کیشوت گونه به جنگ آسیاب بادی که جای خود دارد، آسیاب تخیلی می پرداخت و این حقیقت را فراموش می نمود که منطق سالم و اصول تحقیق حکم می نماید تا در صورت برداشت مبهم قبل از مقابله، تفسیر آن مورد را از خود نویسنده بپرسد و به اصطلاح حقوقی "ابهام مواد قانون را به کمک شارح قانون از میان بردارد"؛ در حالی که پرسش های ارسالی شما که کاملاً حق تان است، به همگان می تواند بیاموزاند که قبل از تقابل و

روباروئی با این و یا آن به منظور رفع ابهام در برداشت، می باید از نویسنده و یا گوینده نخست خواستار صراحت لهجه و رفع ابهام شد و بعد از آن به تأیید و یا تکذیب مطلب وی پرداخت.

در کنار تذکر دو نکته مثبت حیف است بر نکته دیگری نیز اشاره ننمایم و آنهم سکوت جنابعالی در قبال تحلیل جدیدی که از اوضاع فعلی کشور به عمل آمده است، می باشد. چه گذشته از آن که خوانندگان دیگر از خواننده دراک و نکته سنجی چون جنابعالی چه انتظاری دارند، خودم خیلی دلم می خواست و می خواهد تا دوستان و آنهایی که در شرایط فعلی دستی به آتش دارند، نکات مثبت و منفی آن تحلیل را بیشتر می نمایانند، تا با تمرکز بیشتر بر روی نکات مثبت و اصلاح نکات منفی آن می توانستم در آینده مصدر خدمتی برای مردم در آن ساحه بگردم.

خواننده عزیز!

شما در پرسش تان از ابهام در دو مورد یاددهانی نموده و خواستار ایضاح بیشتر در آن موارد شده بودید. مورد اول ارتباط می گرفت به جمله آتی از آن نوشته «به خصوص سازمانهای انقیاد طلب "رهائی و ساما" و رهبران آنها» و نکته دوم «توافقیت تسلیم طلبانه از جنس معاهده ننگین" مسعود، قومندان کریم شاه، قومندان رسول، عصمت مسلم، دوستم، ساما و قومندانهایش و "با روسهای اشغالگر و خیانتیست آشکار به خون های ریخته شده در راه آزادی کشور و بهروزی انسانهای آن»

به ارتباط پرسش اول، همان طوری که شاید خود نیز تا حال متوجه شده باشید، این قلم قبل از آن که با نوشته شما آشنا شوم از آنجائی که در آن بخش هدفم تأکید بر نقش انقیاد طلبانه رهبری آن دو سازمان بود، جمله بندی اولی را با خواست اساسی خود زیاد نزدیک نیافته در عوض آن را با جمله «به خصوص رهبران انقیاد طلب سازمانهای "رهائی و ساما"» عوض نموده بودم.

صرفنظر از آن که جناب شما این تعویض را هنوز هم مبهم می دانید و یا خیر، به ارتباط همان جمله اولی نیز باید بیفزایم:

تا جائی که من از مناسبات تشکیلاتی و خط رسمی یک سازمان، حزب و یا جبهه برداشت دارم، خط مسلط و رسمی آن نهاد ها به مثابه هویت آنها به شمار می رود نه آنچه را مخالفان آن خط مسلط و رسمی در مبارزه با آن پیش می گیرند. با حرکت از همین منظر به جرأت می توان نوشت که هر دو سازمان تذکار یافته از نخستین روز های تجاوز امریکا و شرکاء تا همین اکنون، نهاد هائی اند انقیاد طلب. در عین حال نباید یک نکته را فراموش نموده و با کلی بافی و مطلق گرائی خود را از دایره طرز دید دیالکتیکی بیرون نموده و ادعا نمود که گویا در آن دو سازمان و یا نهاد های مشابه، تمام افراد آن اعم از کادرها، فعالان و صفوف همه انقیاد طلب بوده و مبارزه بین دو خط در آنجا وجود ندارد.

خوانندگان عزیز!

برای درک بهتر این مأمول از شما می خواهم اندکی راجع به ایجاد "سازمان انقلابی افغانستان" و پیدایش "ساما- ادامه دهندگان" نیک دقت نمائید. چه تا جائی که از نوشته های "سازمان انقلابی افغانستان" و نوشته های "ساما- ادامه دهندگان" بر می آید آنها بعد از آن که به این نتیجه رسیده اند که نه تنها با رهبران سازمانهای "رهائی و ساما" نمی توانسته اند کار مشترک نمایند و آن افراد را دیگر به مثابه عناصر انقلابی نمی شناختند، بلکه خود آن نهاد را نیز نمی توانستند "انقلابی" و ضد انقیاد طلبی ارزیابی نمایند. که اگر چنین نباشد باید هر دو سازمان دلیل راه های جداگانه ای را که پیش گرفته اند، به جنبش باز گویند.

برداشت من چنان بوده و است که هم "ساما" و هم "رهائی" بعد از تجاوز امپریالیزم جنایتگستر امریکا و شرکاء تحت رهبری عناصر انقیاد طلب به تمام آرمان های مبارزاتی بنیانگذاران آن پشت کرده و در تقابل با آن، عناصر انقلابی و شریف در داخل هر دو سازمان دست به مبارزه زده هریک به طریقه خاص خود، مسیر آینده اش را از آنچه به نام آن نهاد یاد می شود، جدا نموده اند. هرگاه آنهایی که غیر از این می اندیشند، بخواهند مطلبی ارسال دارند مبرهن است که نه تنها درب پورتال بر روی نشر همچو مطالبی همیشه باز بوده و باز خواهد ماند، خودم نیز آمادگی دارم تا در صورت اثبات غیر از آنچه اکنون می اندیشم و باور دارم، به کدام نتیجه دیگری برسم، بدون کمترین هراسی با انتقاد از خود به تصحیح مواضع خویش بپردازم.

و اما به ارتباط پرسش دوم و این که آن نحوه بیان گویا نیست باید بیفزایم:

از آن جایی که به ارتباط مسأله تسلیم طلبی در "ساما" و مجموع مقاومت رسمی و غیر رسمی در قسمت بعدی پاسخ به سوالات شبنامه نویس به صورت همه جانبه تماس خواهم گرفت، به اجازه شما خواننده عزیز از مکث مفصل بالای آن در مقطع کنونی پوزش می خواهم. صرف به مثابه یک اشاره کوتاه باید یاد آوری نمایم:

با آن که بروز تسلیم طلبی در تمام جنبش مقاومت آن زمان مرضی بود و آگیر که هیچ نهاد و یا سازمانی از ضربات آن مصون نماند و هر یک از احزاب به ده ها و صد ها عنصر و قومندان تسلیم طلب در خود داشت، مگر از چند جهت بروز آن پدیده مذموم و خاینانه در "ساما" و سایر بخشهای مقاومت متفاوت بود.

از نظر من در عین حالی که احاد تمام بخشهای مقاومت به آن آلوده شدند، مگر هیچ یک از احزاب به غیر از "ساما" و بنا بر گفته "داکتر احمد علی عضو رهبری سازمان پیکار" سازمان "پیکار" آن روابط را تا سرحد قبول "مرکزیت" ارتقاء نداده اند. تا جایی که به خاطرمانده این نکته یکی از آن مواردی بود که زنده یاد "رهبر" به مثابه قهرمان بی رقیب مبارزه همه جانبه علیه تسلیم طلبی، از آن بیشتر رنج برده و همیشه می گفت:

برای من بردن چنان باری که تسلیم طلبی بردوش خودم گذاشته می شد، آسانتر بود تا این که می شنوم مرکزیت سازمان در تحت هر شرایطی که بوده بدان دست یازیده است.

اما نباید فراموش نمود که این مسأله یگانه ویژگی "ساما" در آن مقطع تاریخی نبود، بلکه ویژگی های دیگری نیز وجود داشت که "ساما" را یک سر و گردن از احاد جنبش مقاومت رسمی و غیر رسمی متمایز می ساخت.

نخستین ویژگی آن بود که هنوز جوهر آن فیصله معروف که به تسلیم طلبی رسمیت بخشید، خشک نشده بود که از سر تا سر سازمان علیه آن مقاومت ها به اشکال مختلفی سربلند نمود. مقاومت هائی که هیچ گاهی به آن روند ضد انقلابی امکان آن را مساعد نساخت تا خود را از محدوده رسمی به مشی عملی سازمان تکامل بدهد؛ در حالی عکس "ساما" احاد مقاومت بدون آن که اعلام نمایند، آن مشی را به مثابه مشی عملی خود انتخاب نموده بدان عمل می نمودند.

دومین ویژگی، در چگونگی برخورد و مبارزه علیه آن پدیده مذموم و خاینانه بود. چه در حالی که "ساما" بیهراس از عواقب آن، در تمام ساحات ایدئولوژیک، نظامی، سیاسی و تشکیلاتی حتا تا سرحد تصفیه های جسدی عناصر خاین و تسلیم طلب پیش می رفت و کمترین وسوسه ای از آن نداشت که جهت حفظ اصول چه ضایعاتی را باید متقبل شود، بقیه احاد جنبش به دو شکل دیگر از خود عکس العمل نشان می دادند.

در مقاومت رسمی برای توجیه کار هواداران و اعضای خود شان کوشش به عمل می آمد تا از ارواح و انفس پیامبران و ائمه مدد جسته، گناه و خیانت احمد شاه مسعود و عصمت مسلم را بر دوش محمد و یارانش بار نمایند که بزرگترین نمونه آن را می توان در کتابهای داکتر "حق شناس" از نظر گذرانید و مال دیگران را خیانت کبرا قلم

می کردند، یعنی سالوسانه در بطن آن پدیده خاینانه نیز، به خیانت دیگری تشبث می ورزیدند، در بخش مقاومت غیر رسمی، با ایجاد هیاهو در مورد آنچه در "ساما" اتفاق افتاده بود، ریاکارانه کوشیدند تا خیانت های نهاد های "خودی" را به اصطلاح "زیر" زده و تمام مبارزات شان را در همان محدوده لفاظی های سیاسی خلاصه نمایند. سقوط برخی از این به اصطلاح مبارزان ضد تسلیم طلبی در "ساما" تا جائی می رسید که با فرد اخراج شده از "ساما" به جرم آن که به حیث یکی از مؤثر ترین افراد در شکل گیری و قوام آن خیانت، یعنی "شاکر" که به تنهایی با دادن چهار رأی- به نمایندگی از سه رفیق غایب- آن خیانت را رسمیت بخشید و همچنان با صحبت با "سردار" و "امر زلمی" که اولی نماینده "ساما" در مذاکرات با "داکترنجیب" بود و دومی را به زور از پوسته های دولتی "سی" آب و گذر" بیرون نموده بودند، پای بحث ایجاد "حزب کمونیست" می نشستند و از طرف دیگر سخت در تلاش بودند، تا از کنترل نا بجای اخبار و واقعات از جانب "ساما" سود جسته، تسلیم طلبی های درونی خویش را بپوشانند.

با در نظرداشتن این نکات، اگر از "ساما" در کنار مسعود و سایر خاینان تذکر به عمل می آید، باید آن را بنا بر همان اهمیت آن مورد مطالعه قرار داد نه حب و بغض علی و عمر. چه این قلم را اعتقاد بر این بوده و است که میزان جدیت یک فرد و یا یک نهاد سیاسی را در مبارزه به خاطر رسیدن به اهدافی را که اعلام داشته، برخورد صادقانه آن فرد و یا نهاد نسبت به تاریخ خودش و جامعه اش می رساند. این قلم را اعتقاد بر آن بوده و است که با کتمان حقایق و یا سکوت در قبال آنها روی هر دلیلی که باشد نمی توان از تکرار آن در آینده جلوگیری نمود، به اصطلاح معروف اگر نمی خواهیم از یک غار دوبار به وسیله مار گزیده شویم، مخفی داشتن موجودیت غار چاره ساز نیست، بلکه باید شجاعانه و صادقانه با آن برخورد نموده، با مسدود ساختن غار خوب را از بد و دستاورد را از اشتباه جدا نمود.

با در نظرداشتن این چند تذکر کوتاه و با در نظرداشتن آن که در زمان خودش "ساما" زیر رهبری داهیانه زنده یاد "رهبر" و سهمگیری فعال جم غفیری از کادرها، فعالان و صفوف سازمانی و توده های کشور که این قلم نیز افتخار شرکت فعال در آن مبارزه را دارم، یگانه سازمانی بود که در رویارویی با پدیده تسلیم طلبی از جان مایه گذاشت، به پاسخ سؤال شما دوست گرامی در همین جا خاتمه می دهم، امید است در بخش مورد نظر باز هم به این موضوع برگشته و احیاناً اگر سؤال دیگری هم نزد هریک از خوانندگان وجود داشته باشد، به آن پاسخ دهم. در اخیر این مختصر باید بیفزایم، گذشته از مشی روشنگرانه پورتال، بر مبنای پیروی از شخصیت فردی خودم نیز که باشد از حصول سؤالات همیشه شاد مانده و با پیشانی باز از آن استقبال می نمایم.